

## کاربرد نظریه های ارتباطی - اقناعی در ارتقای فرهنگ ایمنی در برابر زلزله

پروانه پیشنهادی

دکترای علوم ارتباطات اجتماعی، پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله  
p.pishnamazi@iiees.ac.ir

کلید واژه‌ها: نظریه های ارتباطی - اقناعی، فرهنگ ایمنی در برابر زلزله، نگرش، جاذبه ترس، رویکرد کارکردی کاتز

### چکیده

عدم آگاهی های لازم در مورد زلزله و دانش زمین لرزه و نیز عدم باور عمومی به این مقوله که می توان با آگاهی و بکار بستن اصول ایمنی، خسارات و آثار سوء ناشی از زلزله را به حداقل رسانده و کاهش داد؛ از جمله مواردی است که در پی وقوع هر زلزله همواره هزینه های مادی و معنوی بیشماری بر کشور تحمیل می کند. اصلاح این نگرش و ایجاد باورها و رفتارهای جدید در اذهان عمومی، می تواند به مقدار قابل ملاحظه ای این خسارات را کاهش داده و سبب افزایش ایمنی کشور در برابر زلزله شود. در این راستا بهره گیری از شیوه های ارتباطی و اقناعی، یکی از موثرترین روشهایی است که می تواند بر افراد جامعه اثر گذاشته، در آنها تغییراتی ایجاد نموده و مردم را به سوی انجام یک عمل و یا منع از انجام عملی سوق دهند. برای اینکه بتوان در مردم تغییراتی رفتاری ایجاد نمود، در وهله اول باید نگرش آنها را در مورد یک موضوع خاص مورد بررسی قرار داده و در صورت لزوم در آن تغییر ایجاد نمود. در این نوشتار که هدف از آن کشف راه های مناسب برای تغییر نگرش مردم در زمینه ارتقای فرهنگ ایمنی در برابر زلزله و اقناع علمی و عملی شان با استفاده از شیوه های ارتباطی است؛ دو شیوه از نظریه های ارتباطی - اقناعی: استفاده از "جاذبه ترس" و "رویکرد کارکردی کاتز" که از جمله نظریات اقناعی ای هستند که می توانند در تغییر نگرش افراد نسبت به موضوع ارتقای فرهنگ ایمنی در برابر زلزله مورد استفاده واقع شوند، مورد بررسی قرار می گیرند. بدین منظور مطالعه حاضر بر اساس تحقیقی پیمایشی در شهر تبریز بر مردم، که در معرض زلزله اهر - ورزقان قرار داشتند، انجام گرفت و زلزله مذکور برای شهروندان تبریز به عنوان "پیام ترس آور" در نظر گرفته شد. نتایج حاصل، حاکی از آن است که هر چه میزان شدت احساس زلزله بیشتر بوده، میزان آموختن مباحث مربوط به شیوه های درست مواجهه با زلزله پس از زلزله مزبور نیز بیشتر شده است.

### مقدمه

طبق بررسی های به عمل آمده، بیشترین خسارات مالی و مرگ و میرها در زلزله های ایران ناشی از ساخت و سازهای غیر اصولی و فاقد استاندارد و نیز عدم آگاهی افراد از زلزله و شیوه های صحیح مواجهه با این پدیده طبیعی می باشد. متأسفانه در سطح کشور با انبوه افرادی مواجهیم که علاوه بر عدم آگاهی از شیوه های صحیح پناهگیری و مواجهه با زلزله، از وقوع زلزله های متعدد در کشور نیز درس های لازم را نیاموخته و حتی بدنبال کسب آگاهی در این زمینه نیز نمی روند. همین امر خسارات و مرگ و میر ناشی از زلزله را در هنگام وقوع آن به طور مضاعفی افزایش می دهد. از سویی دیگر عدم آگاهی مردم از زلزله، شیوه های صحیح پناهگیری، شیوه های صحیح ساخت و ساز و مقاومت ساختمان ها، مقاوم سازی سازه ای و غیرسازه ای و فقدان شناخت کافی در مورد گسل های فعال و دانش زمین لرزه و نیز عدم باور عمومی به این مقوله که می توان با آگاهی و بکار بستن اصول ایمنی، خسارات و آثار سوء ناشی از زلزله را به حداقل رسانده و کاهش داد؛ از جمله مواردی است که در پی وقوع هر زلزله ای خسارت های وارد شده بر کشور را به شکل چشمگیری افزایش می دهد. از این رو یافتن راه حلی در این زمینه و شیوه ای که بتواند نگرش مردم را در این باب تغییر داده و به سمت رفتارها و اقداماتی ایمن سوق دهد، از دغدغه های اصلی مسوولان مدیریت بحران کشور بوده و هست. بهره گیری از شیوه های ارتباطی و اقناعی یکی از شیوه های موثر تغییر نگرش در افراد است که در این پژوهش با بهره گیری از دو شیوه از پرکاربردترین آنها یعنی نظریات: "جاذبه ترس" و "رویکرد کارکردی کاتز" سعی در پاسخگویی به این سوال داریم که آیا می توان نگرش افراد را با استفاده از نظریه های مذکور نسبت به زلزله و پیامدهای آن تغییر داده و به سمت افزایش آگاهی و ارتقای عملکرد در راستای ایمنی در برابر زلزله سوق داد؟